



دانشگاه سیام نور

تاریخ و زیبایی شناسی نقاشی غرب ۱

خاطره کامیار

«امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.»^۱

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز هفته کتاب ۷۲/۱۰/۴

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	هفت
فصل اول. نقاشی در صدر مسیحیت و بیزانس.....	۱
هدف کلی.....	۱
هدف‌های یادگیری.....	۱
مقدمه.....	۱
۱-۱ هنر مسیحی پیشین.....	۲
۲-۱ هنر بیزانسی.....	۱۱
خلاصه فصل اول.....	۲۵
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول.....	۲۶
فصل دوم. مختصری از شکل‌گیری تاریخ هنر نقاشی قبل از رنسانس.....	۲۹
هدف کلی.....	۲۹
هدف‌های یادگیری.....	۲۹
مقدمه.....	۲۹
۱-۲ هنر قرون وسطی (سده‌های میانه).....	۳۰
۱-۲-۱ قرون وسطای پیشین.....	۳۰
۲-۱-۲ هنر رومانسک.....	۳۵
۳-۱-۲ هنر گوتیک.....	۳۷
خلاصه فصل دوم.....	۴۱
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم.....	۴۱
فصل سوم. جریان‌های هنری از رنسانس تا انتهای قرن نوزدهم میلادی.....	۴۳
هدف کلی.....	۴۳
هدف‌های یادگیری.....	۴۳

مقدمه.....	۴۳
۱-۳ رنسانس.....	۴۴
۲-۳ مَنَریسم (شیوه گری).....	۵۸
۳-۳ بازُک (باروک).....	۶۱
۴-۳ رُکوکو.....	۷۱
۵-۳ نئوکلاسی سیسم.....	۷۴
۶-۳ رُمانتیسیم.....	۷۷
۷-۳ رئالیسم (واقع گرایی).....	۸۶
۸-۳ امپرسیونیسم (دریافت گری).....	۹۱
۹-۳ پست امپرسیونیسم (دریافت گری پسین).....	۱۰۱
۱۰-۳ سمبولیسم.....	۱۱۳
۱۱-۳ گروه نبی.....	۱۱۸
خلاصه فصل سوم.....	۱۲۲
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم.....	۱۲۳
فصل چهارم. جریان‌های هنر در نقاشی از آغاز مدرنیسم تا قبل از دههٔ چهل میلادی.....	۱۲۵
هدف کلی.....	۱۲۵
هدف‌های یادگیری.....	۱۲۵
مقدمه.....	۱۲۵
۱-۴ آرنو.....	۱۲۶
۲-۴ فوویسم (دِدگری).....	۱۲۸
۳-۴ اکسپرسیونیسم، گروه پُل (بروکه) و گروه سوار آبی.....	۱۴۰
۴-۴ کویسم (مکعب‌گرایی).....	۱۵۹
۵-۴ فوتوریسم.....	۱۶۹
۶-۴ اُرفیسم.....	۱۷۵
۷-۴ گروه تقسیم طلایی، ریونیسم (پرتوگرایی) و پوریسم (نابگرایی).....	۱۷۷
۸-۴ سوپره ماتیسیم (والاگرایی).....	۱۸۴
۹-۴ دادائیسم.....	۱۸۷
۱۰-۴ د استیل.....	۱۹۳
۱۱-۴ نقاشی متافیزیک.....	۱۹۶
۱۲-۴ سورئالیسم (فرا واقع‌گرایی).....	۱۹۹
۱۳-۴ جنبش هنری عینیت نو.....	۲۰۴
۱۴-۴ آبستراکتیویسم (انتزاع‌گرایی) یا هنر انتزاعی.....	۲۱۰
خلاصه فصل چهارم.....	۲۱۶
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم.....	۲۱۷
پاسخنامه.....	۲۱۹
منابع.....	۲۲۱

پیشگفتار

در یک نگاه اجمالی طبق مطالب گردآوری شده می‌توان از روند چند صدساله تاریخ هنر (نقاشی) در غرب مطلع شد. همان‌طور که می‌دانیم این فرایند در ابتدا به‌واسطه ایجاد و گسترش حکومت‌ها، قوانین سیاسی، پیشرفت علوم مختلف،...، کنکاش و دغدغه هنرمندان دوران مختلف توانست به‌واسطه ذهن خلاق و نوآور ایشان، انقلاب عظیمی را در تمامی رخدادهای مرتبط با بشر، ابتدا در رنسانس و سپس در قرن بیستم رقم زند. دستاوردهای نوینی که علاوه بر ایجاد جنبش‌های مختلف هنری، در شکل‌گیری تحولات بزرگ فرهنگی، اجتماعی، دینی و سیاسی نقش کلیدی داشته و از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون با شتابی که هرگز قابل مقایسه با ادوار گذشته نیست، نمود بسیار متفاوتی در گستره پرهیاهوی جوامع مختلف پدید آورد که امروزه نه تنها جغرافیای غرب بلکه جوامع و ملیت‌های سراسر جهان نیز از آن بی‌بهره نمانده است.

سبک‌های شناخته‌شده در گذشته بر مبنای اصول تغییرناپذیر استادان چیره‌دست و ماهر و اعمال‌نظر سیاستمداران و اشراف و خادمان کلیسا پایه‌گذاری شده و زیرکانه خود را برای ابد به جهان تحمیل می‌کردند؛ اما امروزه اندیشه و عملکرد پیچیده هنری در تمام بخش‌های زندگی بشر نفوذ و گسترش یافته به‌طوری‌که موجب پیدایش هنرمندان، رسانه‌های غیرمتعارف با دوره‌های پیشین و در نتیجه سبک‌های متعدد شده است.

در کتاب حاضر سعی شده است مهم‌ترین مطالب مرتبط با تاریخ نقاشی غرب (محدوده زمانی پیش از رنسانس تا نیمه دوم قرن بیستم) مطابق با سرفصل اعلام‌شده

برای دانشجویان کارشناسی نقاشی به میزان دو واحد درسی و علاقه‌مندان دیگر، گردآوری و به زبان ساده بیان شود. بدیهی است که اطلاعات جامع و تجزیه و تحلیل آثار و عملکرد هنرمندان در هر دوره به‌ویژه نیمهٔ دوم قرن بیستم تاکنون خارج از حد این کتاب درسی بوده و پژوهش و زمان گسترده‌تر را طلب می‌کند. ضمن قدردانی از شکیبایی و همکاری اعضای محترم تدوین و نشر، امید است که متن گردآوری شده بتواند به ارتقای آگاهی خوانندگان محترم افزوده و علاوه بر پذیرش عذر ناشی از کاستی در مطالب، شوق نگارش مجموعه دیگر را نیز محیا سازد.

خاطره کامیار

فصل اول

نقاشی در صدر مسیحیت و بیزانس

هدف کلی

شناخت کلی از هنر نقاشی در زمان ظهور مسیحیت و بیزانس در اروپا.

هدف‌های یادگیری

در پایان این فصل دانشجو می‌تواند:

۱. به شرایط حاکم بر هنر در زمان ظهور مسیحیت و حاکمیت بیزانسی آگاهی یابد.
۲. شیوه اجرایی و مضامین نقاشی در دوران ابتدای شکل‌گیری مسیحیت و بیزانس را بیان کند.
۳. برخی از مهم‌ترین مکان‌های مرتبط با گسترش نقاشی دوران مسیحیت را مطلع شود.
۴. تاریخ سیاسی مؤثر بر گسترش نقاشی در اروپا را به‌اختصار بیان کند.

مقدمه

با ظهور مسیحیت و رواج تدریجی آن در بخش‌هایی از خاورمیانه و اروپا، پایه‌های قدرت‌های سیاسی برانگیخته از تفکرات مسیحی نیز بنا نهاده شد. اگرچه در بسیاری از این مناطق نفوذ اعتقادات دینی به‌ویژه یهودیت که پیش از آن موجود بود همواره در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نقش به‌سزایی ایفا می‌کرد. توجه به همین روند بدیهی بود که به رسمیت شناخته شدن دین دیگری در یک منطقه مستلزم پذیرش آن دین توسط حاکمان آن مناطق باشد. در این میان علاوه بر تحولات اعتقادی و سیاسی، علم و هنر

نیز دچار دگرگونی‌های بسیاری شدند. با توجه به اینکه خاستگاه اصلی ادیان الهی در بین‌النهرین بوده، تأثیر عمیق دیدگاه‌های فرهنگی و هنری این منطقه که برای مدت طولانی یکی از قطب‌های اصلی امپراتوری جهان در کنار یونان و مصر و ایران به‌شمار می‌رفت، را نباید نادیده گرفت.

بدیهی است که پایه‌های هنری برگرفته از ادیان الهی در خاورمیانه به همراه دیدگاه‌های برگرفته از اساطیر یونانی عهد باستان در اروپا با ظهور مسیحیت و آمیخته شدن آن با سیاست، تغییر و تحول‌های بسیاری را نیز به همراه داشت.

آن بخش از دوران تاریخی در اروپا که دامنه عظیمی از گسترده‌ی زمان و مکان را در برمی‌گرفت و نقشی بس عظیم در شکل‌گیری سبک‌های مهم هنری در ادوار مختلف داشت مربوط به دورانی است که قرون وسطی نام نهاده‌اند. سبک‌های هنری ایجادشده در طی قرون متوالی شامل هنر صدر مسیحیت یا هنر مسیحیت پیشین، هنر بیزانس، هنر «رومی‌وار یا رومانسک»^۱ و هنر گوتیک بوده که عمده‌ترین تحولات را در زمینه نقاشی، مجسمه‌سازی و معماری به‌وجود آورد، افزون بر اینکه هنرهای دیگری مانند صنایع دستی، مصورسازی، تجلید و تذهیب و... نیز از این‌روند مستثنا نبودند.

۱-۱ هنر مسیحی پیشین^۲

این اصطلاح اغلب به هنر صدر مسیحیت اطلاق شده که شامل ایتالیا و مدیترانه باختری (۳۰۰ تا ۷۵۰ میلادی) است اگرچه گاهی نخستین نمونه‌های هنر بیزانسی را نیز در برمی‌گیرد (پاکباز، ۱۳۷۹: ۸۸۳).

با ظهور مسیح، امپراتوری روم که شامل مناطق وسیعی از اروپا و خاورمیانه بود دستخوش تغییرات بسیار شد. فلسطین، سوریه، آناتولی، مصر، یونان و...، از جمله سرزمین‌های مهم در این قلمرو به‌شمار می‌رفتند. رومی‌ها در ابتدا در تقابل با دین نوظهور درآمدند به‌طوری‌که قبول مسیحیت برابر با مرگ برای افرادی بود که به‌دلیل رنج‌های ناشی از بی‌عدالتی حاکمان، رو به‌سوی کسی آورده بودند که آوازه صلح و عدالت را سر داده بود. تداوم این جریان تا زمان پذیرش دین توسط امپراتوری

۱. (Romanesque): اصطلاحی که در حدود ۱۸۲۵ م. برای توصیف هنر و معماری پیش از گوتیک قاره اروپا مربوط به سده‌های هشتم تا دوازدهم میلادی ابداع شد (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

کنستانتین ادامه داشت. از نشانه‌های آغازین در هنر این دوران که اکثر آن‌ها مربوط به سده سوم میلادی به بعد هستند، می‌توان به آثار به‌جای مانده در گور دخمه‌ها یا «کاتاکومب»^۱ اشاره داشت (شکل ۱-۱). در گور دخمه‌ها اتاق‌های تدفینی به نام گورخانه «لانه کفتری»^۲ با تعداد زیادی طاقچه وجود داشت که برای نگه‌داشتن خاکستر اجساد استفاده می‌شد (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۸۶).



شکل ۱-۱. کاتاکومب، روم، سده سوم و چهارم میلادی

این مقابر متشکل از اتاق‌ها و دالان‌های تودرتوی زیرزمینی در زیر شهر روم و شهرهایی هستند که به‌عنوان گورستان‌هایی پنهانی برای دفن مردگان مسیحی طراحی شده‌بود. این مقابر که از سده دوم تا چهارم پیوسته مورد استفاده قرار می‌گرفت علاوه بر مخفیگاهی امن، جایگاهی مناسب برای اجرای مراسم آیینی نیز به‌شمار می‌رفت که «کوییکولوم»^۳ خوانده می‌شد. این مکان مذهبی-آیینی اغلب با نقاشی‌های دیواری به شیوه رومی عهد باستان، تزئین می‌شد (شکل ۱-۲). فرسک‌های موجود بر دیواره این

1. Catacom
2. Columbarium
3. Cubiculum



(الف)



(ب)

شکل ۱-۲. الف) مسیح در میان رسولانش کاتاکومب در دومیتیا، سده چهارم میلادی؛ ب) نمونه‌ای دیگر از دیوارنگاره در کاتاکومب.

دخمه‌ها اغلب دارای مضامین مرتبط با اعتقادات مسیحی بوده و شامل داستان‌های برگرفته از کتاب‌های قدیمی مانند «عهد عتیق»^۱ هستند. از نمونه‌های موجود می‌توان به نقاشی داستان زندگی یونس در سقف گور دخمه دو قدیس به نام‌های «سان پیترو و سان مارچلینو» اشاره کرد که روایت به آب افتادن یونس و خارج شدن او از دهان نهنگ را نشان می‌دهد (شکل‌های ۱-۲ و ۳-۱).

سبک نقاشان در این نوع مقابر، اغلب شتاب‌زده و طراحی‌گونه بوده و با اجرایی ضعیف انجام شده‌است. باید در نظر داشت که کاتاکومب‌ها مکان‌هایی مملو از وحشت و هولناک برای هنر زینت‌گر محسوب می‌شدند. هوای سنگین ناشی از تعفن اجساد، رطوبت زیاد و روشنایی ایجادشده به‌وسیله چراغ‌های روغنی نمی‌توانست محیطی مناسب برای آفرینش نقاشی‌های ظریف و باکیفیت باشد. بدیهی است که این سقف-نگاری‌های کشف‌شده از نمونه‌های شاخص نقاشی صدر مسیحیت به‌شمار می‌آیند. این نقاشی‌ها از لحاظ طرح و اجرا نسبت به نقاشی‌های رومی مکشوف در پُمپی^۲ ضعیف‌ترند ولی در همین آثار، نقش‌مایه‌های نمادین مسیحی همچون «چوپان نیکو» معرف مسیح، «طاووس» نشانه جاودانگی، «کبوتر» نمادی از روح، «لنگر» نشانه امید، «میهمانی آسمانی» و «مریم عذرا و مسیح کودک» و... به‌کاربرده شده‌اند. این نقش‌مایه‌ها به همراه عناصر بصری دیگری همچون «تصلیب مسیح و حواریون»، در قالب موزاییک و کنده‌کاری بر روی عاج یا تابوت و تصویرسازی کتب مقدس نیز به‌کار گرفته می‌شدند ولی به‌تدریج با اثرپذیری از سنت‌های تصویری مشرق زمین، شیوه طبیعت‌گرایانه اولیه جای خود را به شیوه انتزاعی منطبق با دیدگاه مسیحیت داد، که می‌توان آن را در قالب نوعی «شمایل‌نگاری»^۳ نیز قرار داد.

۱. Old Testament: کتاب آسمانی (Bible) مشتمل بر دو بخش مهم عهد قدیم (مربوط به یهودیان) و عهد جدید (مربوط به مسیحیان) است. عهد قدیم شامل تورات (اسفار خمسه)، انبیا و مکتوبات مقدس است که به زبان عبری نوشته شده است (پاکباز، ۱۳۷۹: ۹۹۳).

۲. Pompeii: نام شهری در جنوب ایتالیا که به دلیل آتشفشانی در سده اول میلادی به زیر خاک مدفون شد.

۳. Iconography: اصطلاحی است در تاریخ هنر که به بررسی و شناخت مفاهیم و موضوع‌های هنری اشاره دارد، مانند استفاده از اساطیر کلاسیک در هنر قرون وسطی. در هر حال هدف آن بود که ارتباط میان ایده و تصویر تجزیه و تحلیل شود. از این رو شمایل‌نگاری کوششی است برای فهم عناصر مختلفی که در ساخت اثر هنری مؤثرند (همان: ۳۳۳).



شکل ۱-۳. خروج یونس از دهان نهنگ، سقف گور دخمه دو قدیس، عهد عتیق.

بنا به شواهد موجود در این مقابر زیرزمینی علاوه بر اجرای مراسم آیینی و مذهبی، جشن‌هایی نیز برگزار می‌شد. به احتمال زیاد این مراسم در برخی خانه‌های خصوصی نیز به اجرا درمی‌آمد که بقایای یکی از آن‌ها شباهت زیادی به «باسیلیکای» رومی دارد.

زمانی که (قرن سوم میلادی) مسیحیت در سراسر امپراتوری روم از سوی امپراتور کنستانتین به عنوان دین رسمی پذیرفته شد، ساختن بناهایی به منظور اجرای

۱. باسیلیکا یا بازیلیکا دراصل ساختمانی مستطیل شکل با تالار وسیع و راهرودار بود که توسط رومیان برای امور اداری، قضایی و مالی ساخته می‌شد که بعدها نخستین کلیساها را طبق الگوی آن ساختند و از این رو، کلیساهای اولیه بازیلیکا نام گرفتند (پاکباز، ۱۳۷۹، ص ۶۸).

مراسم مذهبی ضرورت یافت که همین امر کم‌کم باعث افزایش وجوه ارزشی این دین شد. از نخستین مکان‌های سرگشاده و بیرون از دخمه‌های تودرتو، کلیسای قدیمی «سان پیترو» در روم است که به احتمال، از مهم‌ترین طراح‌های معماری کلیسا محسوب می‌شود. این بنا به شکلی باشکوه با انواع مرمر و موزاییک ساخته و تزیین شده است. طراحی کلیسای باسیلیکایی سال‌های طولانی موردتوجه دنیای مسیحیت قرار گرفته بود؛ از طرفی مسیحیان اولیه الگوی ساختمانی کلاسیک دیگری را نیز اقتباس کردند که به شکل ساختمانی متراکم واقع در مرکز به همراه گنبدی گرد یا چندضلعی ساخته می‌شد که بعدها موردتوجه معماران بیزانسی قرار گرفت. از بناهای مهم در این دوران می‌توان به کلیسای «مزار مقدس» واقع در اورشلیم اشاره کرد (شکل ۱-۴).



شکل ۱-۴. کلیسای مزار مقدس، اورشلیم، حدود ۳۴۵ م.

هم‌زمان با ساخت کلیساها، به‌منظور رفع نیاز مذهبی مسیحیان، تبلیغ و آموزش جنبه‌های متفاوتی از دین، پرداختن به آراستن نماها و دیوارها نیز موردتوجه قرار گرفت. موزاییک‌های زیبای تزیین‌شده با خرده‌شیشه‌های براق به‌جای خرده مرمرهای مات دوران روم باستان، ابزاری جدید برای بیان ایده‌های مسیحی بر روی سطوح تخت

باسیلیکاهای جدید به‌شمار می‌رفت. در این روش سطوح رنگین بدون مخلوط شدن رنگ‌ها با یکدیگر در الگویی که از پیش تهیه می‌شد، مضمون روایی موردنظر را بر روی دیوارها ایجاد می‌کرد. در برخی موارد لبه‌های خرده‌شیشه‌ها بدون اینکه ساییده شوند، به‌صورت زبر باقی می‌ماند تا انعکاس نور خورشید بیشتر نمایانده شود. به‌دلیل ویژگی‌های خاص این شیوه از اجرا، استفاده از طرح‌های ساده رواج بیشتری داشت. به‌طورکلی بهره‌گیری از موزاییک در جریان چندین سده وسیله‌ای کارآمد برای بیان برخی از عالی‌ترین شاهکارهای هنر جهان به‌شمار می‌رفت. تصویری که از مسیح در ذهن مسیحیان اولیه شکل می‌گرفت، همواره انسانی بود که باخدایان رومی قابل قیاس بود؛ مانند موزاییک موجود در یک آرامگاه کوچک واقع در زیر ساختمان کلیسای «سان پیترو» در روم، که در آن مسیح به شکل «آپولون»^۱ در حال تاختن اسب‌های گردونه مهر، ظاهر شده است.

باید دانست که سبک هنر رومی در اثر استحاله و تبدیل ماهیت هنر یونانی-رومی به‌دست آمده است (هلن گادرنر، ۱۳۸۷: ۲۲۹). با دقت در تصاویر روایتی موزاییکی، مانند موزاییک‌کاری «جداشدن لوط و ابراهیم از یکدیگر» در کلیسای «ساتاماریا ماجوره»، می‌توان به وحدت میان طبیعت‌گرایی کهن و نمادپردازی نوین - سال‌های اولیه - اشاره داشت. در این اثر سرپیچی کردن لوط از فرمان ابراهیم و در نتیجه ایجاد شکاف بین دو گروه با تأکید به تصویر کشیده شده است. قرارگیری ابراهیم و پیروانش در سمت چپ و لوط و دو دخترش در سمت راست روایتگر تفرقه بین دو گروه است. حرکت سریع در پیچش اندام و لباس لوط نشانه تصمیم قطعی در مخالفت با ابراهیم و رفتن به‌سوی شیطان است و درحالی‌که ابراهیم با چهره ناامید، اسحاق و پیروانش را به‌سوی ندای الهی رهنمون می‌کند. حالت چهره و اندام در پیکره‌ها، گشاده شدن چشم‌ها و بزرگنمایی دست‌ها حکایت از مشاجره‌ای بی‌نتیجه است، گویی راه برگشتی برای گناهکاران باقی نمانده است. شهر و ساختمان‌های موجود در پس‌زمینه جنبه‌ای نمادین از مکان‌هایی است که هر گروه به‌منظور اقامت یاران خویش انتخاب کرده‌اند (شکل ۱-۵).

۱. (Apollo): خدای یونانی که نمادی از عناصر مختلف است. رومیان او را با خورشید - خدای خود پکسان می‌دانستند. آپولو گردونه خورشید- خدا را که به وسیله ی چهار اسب سفید کشیده می‌شد، می‌راند. او همواره دارای یک هاله درخشان است (هال، ۱۳۸۳: ۳۱۵).



شکل ۱-۵. بخشی از موزاییک‌کاری روایت جدا شدن لوط و ابراهیم از یکدیگر، کلیسای سانتا ماریا ماجوره، حدود ۴۳۰ م.

در برهه‌ای از زمان مراجع دینی بر این اعتقاد بودند که دیوارنگاری‌های دخمه‌ای و موزاییک‌کاری‌های عظیم که به‌منظور بیان جنبه‌های اعتقادی و آموزش و تهذیب پیروان ایجاد می‌شدند، کافی نبوده و وجود نسخه‌های فراوان خطی و مصورسازی شده می‌توانست راهی بهتر برای گسترش آموزه‌های دینی به‌حساب آیند. «هنرمندان کنستانتینی به‌احتمال، هزاران متن سرشار از موضوع‌های مصور به شیوهٔ عبریان، یونانیان و مسیحیان در اختیار داشتند.» (همان: ۲۳۰).

در زمان پادشاهی کنستانتین دانشمندان و هنرمندان و ادیبان زیادی از اسکندریه (واقع در مصر) به روم خوانده شدند، افزون بر اینکه وجود کتابخانه‌های جامع و علوم مختلف در ممالک مشرق زمین بر کسی پوشیده نیست. بدیهی است که نفوذ علم و هنر و ادب در سرزمینی که خود پیشینهٔ فراوانی نیز داشت موجب تأثیرات عمیقی از تداخل فرهنگ‌ها شد، به‌طوری‌که قسطنطنیه به مرکز علوم سنتی از طریق نسخه‌برداری‌های مکرر در طی چند قرن تبدیل شد. از نمونه‌های موجود می‌توان به تصویر «یوسف

برادرانش را به‌جا می‌آورد» - مربوط به نسخه سفر آفرینش موزه وین در اتریش - اشاره کرد. در این بخش از کتاب قسمتی از داستان زندگی یوسف به تصویر کشیده شده است، زمانی که یوسف به مقام عزیزی مصر دست‌یافته و برادرانش در کمال ضعف و ناامیدی ناشی از خشک‌سالی به آنجا سفر کرده بودند درحالی‌که آن‌ها وی را نمی‌شناختند و یوسف غرق در عواطف به کناری رفته و گریه می‌کند. در اینجا سه حادثه مجزا شبیه‌سازی شده که یوسف در دوتای آن حضور دارد. به‌احتمال زیاد این تصویر از یک تومار پیوسته بریده شده است زیرا چنین به‌نظر می‌رسد که از سمت چپ و راست نیز ادامه داشته است (شکل ۱-۶).



شکل ۱-۶. یوسف برادرانش را به‌جا می‌آورد، نسخه سفر پیدایش، اوایل سده ششم میلادی.

در این تصویر پیکره‌ها به شکلی بسیار ساده در فضایی خالی از هر عنصر دیگری فقط روایتی را به‌صورت خلاصه و شتاب‌زده بیان کرده است. اگرچه در نسخه رنگی آن، زمینه با رنگ ارغوانی سیر و حروف منقوش نقره‌ای تزیین شده است. این شاخصه بعدها جزو تزیین‌های اصلی در نسخه‌های خطی شد.

زیبایی معنوی روایت‌ها به همراه زیبایی مادی آن‌ها که از طریق خلق آثار گوناگون هنری به نمایش درمی‌آمد، ابزاری بود تا بر شدت و قدرت مضامین دینی بیفزاید. نمایاندن هر عنصری که تقدس دین مذکور را در میان پیروانشان دوچندان می‌کرد همانا از عواملی بود که از هدف‌های اصلی در هنر بیزانس شد.

۱-۲ هنر بیزانسی^۱

به نقل از رویین پاکباز در کتاب دائرةالمعارف هنر، تاریخ امپراتوری روم شرقی یا بیزانس از زمانی آغاز شد که کنستانتین شهر بوزانتیون واقع در ساحل بفسفر را به عنوان پایتخت روم در سال ۳۳۰ میلادی انتخاب کرد، این شهر همان قسطنطنیه یا «کنستانتی نپل» بود که در سال ۱۴۳۳ میلادی به دست ترکان عثمانی فتح شده و استانبول نامیده شد.

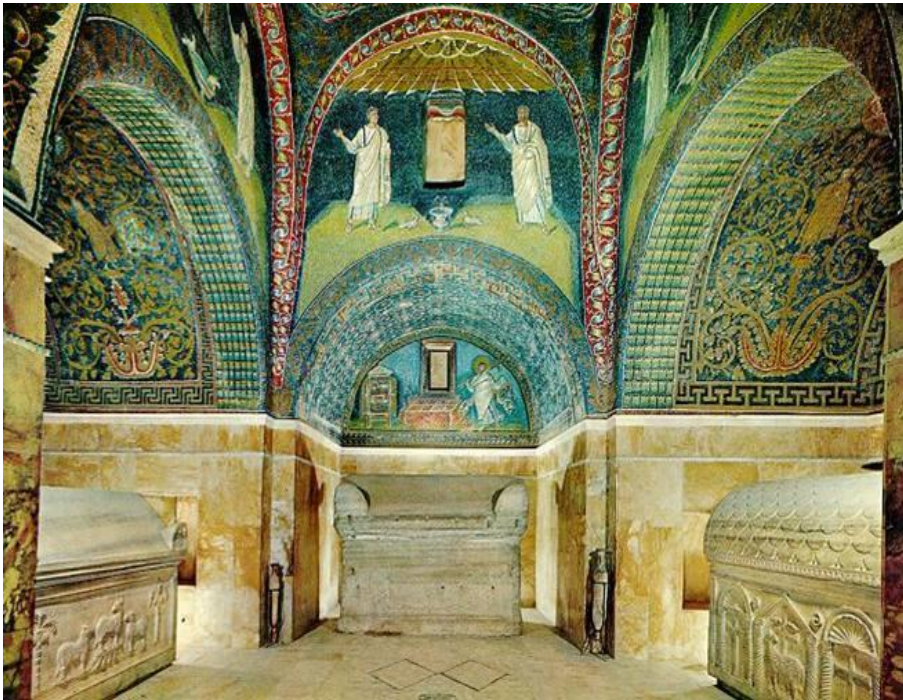
شکل‌گیری هنر بیزانسی با اقدامات ژوستی نین در سده ششم میلادی همراه است اگرچه مقدمات آن از زمان کنستانتین شروع شده بود. بعد از مرگ وی به دلیل اختلاف بر سر رهبری جهان مسیحیت، امپراتوری روم نه تنها به دو شاخه روم شرقی (بیزانس) و روم غربی شد بلکه باعث انشعاب دین مسیحی به دو شاخه کلیسای شرقی در بیزانس (ارتدوکس) و کلیسای غربی (کاتولیک) در روم شد. در سده ششم میلادی روم غربی در اثر هجوم اقوام اروپای شمالی از هم پاشید، اما بیزانس از این حمله‌ها در امان ماند و در زمان ژوستی نین (۵۶۵-۵۲۷ م) به اوج قدرت رسید، وی نه تنها در روم شرقی قدرت خو را استحکام بخشید، بلکه بر بخش‌هایی از ایتالیا نیز مسلط و شهر «راونا» را به عنوان مرکز قدرت خود در روم غربی انتخاب کرد. بدین ترتیب رهبری هنری اروپا به بیزانس انتقال یافت. «هنر بیزانس با فراز و نشیب‌هایی تا سده پانزدهم تداوم یافت و در زمینه معماری، نقاشی و دیگر هنرها آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشت. در تعریفی خلاصه و گویا می‌توان هنر بیزانس را هنری مذهبی، رمزگرا، رسمی، نیایشی، باوقار و خاور مآب معرفی کرد» (ریاضی، ۱۳۹۰: ۹۹).

در بیانی کلی باید گفت که نمی‌توان تاریخ مشخصی را برای انتقال هنر صدر مسیحی به هنر بیزانسی در نظر گرفت. آنچه به نظر می‌رسد هنر بیزانسی در اصل تلفیق شیوه‌های یونانی و شرقی در ناحیه مدیترانه خاوری است و اصلی‌ترین عامل آن نیروی معنوی دین مسیح است. پس از استیلای ترکان مسلمان عثمانی هویت این هنر از بین نرفت و تا چندین سده نیز پایدار ماند قابل ذکر است که هنر بیزانسی در روسیه و سایر سرزمین‌های اسلاوی نیز راه تحول خود را طی کرد.

در مسیر تحول و انتقال هنر مسیحی به هنر بیزانسی، نمونه‌های قابل توجهی در شهرهای مهم تاریخی موجود است که از میان آن‌ها می‌توان به آرامگاه «گالاپلاکیدیا»^۲ واقع در راونا نام برد.

راونا، بندرگاهی در روم باستان بود که بر ساحل دریای آدریاتیک یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک به لحاظ نظامی و اقتصادی به‌شمار می‌رفت. شکوفاترین روزگار رفاه و رونق فرهنگی و اقتصادی این شهر در سال‌های حکومت «یوسنی نیانوس» رقم‌زده شد. آرامگاه نام‌برده ساختمانی صلیب گونه است که به دلیل وجود ویژگی‌های خاصش آن را در زمره بناهای مهم در این دوران قرار داده است. پوسته آجری ساده و تزئین نشده این مکان یکی از غنی‌ترین مجموعه‌های موزاییکی متعلق به هنر مسیحیت آغازین را در خود جای داده است. تمام سطوح داخلی بالای دیوارها با تزئین‌های موزاییکی پوشانده شده است (شکل‌های ۱-۷ و ۱-۸).

تصویر مسیح در این موزاییک باشکوه آن‌چنانکه در نمونه‌های مشابه رایج بود اجراننده است. مسیح در این تصویر گوسفندی بر دوش نداشته بلکه با حفظ فاصله مشخص در میان گله‌ای از گوسفندان نشسته درحالی‌که ردایی زرین و ارغوانی به تن و هاله‌ای به گرد سر دارد.



شکل ۱-۷. حجاری و موزاییک‌کاری، آرامگاه گالا پلاکیدیا، راونا، سده پنجم میلادی.



شکل ۸-۱. مسیح در شکل یک چوپان، آرامگاه گلاپلاکیدیا، راونا، ۴۵۰-۴۲۵ م.

از دیگر نمونه‌های مهم در این دوران می‌توان موزاییک‌کاری، کلیسای «سانتا آپولیناره نُوو» نام برد. قابل ذکر است که بنای مذکور قبل از اینکه به این نام خوانده شوند در سال ۵۰۴ م، در راونا به دستور «تئودریک» ساخته‌شده و سپس در قرن نهم میلادی به دلیل مدفون شدن قدیس «آپولیناریس» به این نام شهرت یافت. موزاییک‌های دیوارهای درونی صحن، در سه قسمت انجام شده‌اند که دو بخش آن مربوط به قرن ششم یعنی زمان حکومت تئودریک هستند. یکی از نمونه‌های یادشده شامل «معجزه قرص‌های نان و ماهی‌ها» است که به‌جای پرداختن به جزئیات در حالت‌ها و اندام‌ها، هنرمند کوشیده تا وجوه آیینی و نمادین واقعه را بیان کند. مسیح در این تصویر با صورتی برهنه و بدون ریش و با ردایی ارغوانی درحالی‌که روبه‌رو و تمام‌رخ ایستاده به پیروانش معجزه افزایش آذوقه را خبر داده و به حواریون دستور می‌دهد تا در بین افراد نیازمند تقسیم کنند. این روایت با کمترین تعداد انسانی و در مکانی ساده و غیرمادی با آسمانی به رنگ طلایی خنثی، تنها به‌منظور بیان یک واقعه غیرمادی و حضور نیروی ماورائی اجراشده است (شکل‌های ۹-۱ و ۱۰-۱).

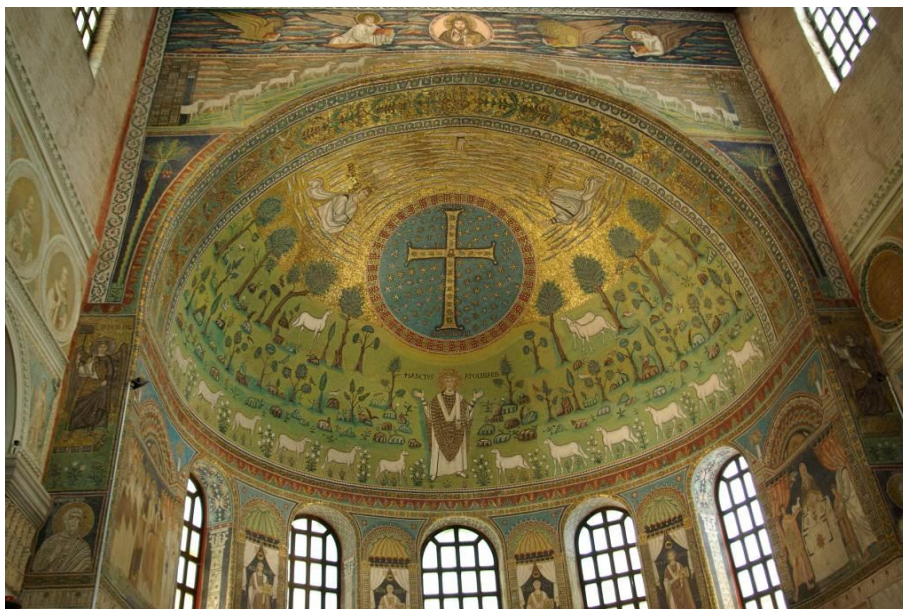


شکل ۹-۱. موزاییک‌کاری‌های دیوار صحن کلیسای سانتاآپولیناره نُوو، حدود ۵۰۴ م.



شکل ۱۰-۱. معجزه قرص‌های نان و ماهی‌ها، موزاییک دیوار صحن کلیسای سانتاآپولیناره نُوو، حدود ۵۰۴ م.

عصر راونا با موزاییک‌کاری مَدَبَحِ مسیح به نقطهٔ اوج تکامل سبک بیزانسی می‌رسد. در این موزاییک قاب مدور آبی‌رنگ بزرگی با یک صلیب جواهرنشان که نمادی از تَبَدُّلِ مسیح است دیده می‌شود. در دو طرف این صلیب، دست خداوند و کبوتری از میان ابرها بیرون آمده است که هر سه به موضوع تثلیث اشاره دارند. پیکره‌های موسی و ایلیا در دو سوی ابرها ظاهر شده‌اند این در حالی است که سه گوسفند در قسمت پایین اثر به نشانهٔ سه تن از یاران، مسیح را همراهی می‌کنند. دوازده گوسفند دیگر نیز به نشانهٔ حواریون در صفی منظم پیش می‌روند که شیوهٔ تزئینی ویژه‌ای را در پایین صحنه به نمایش گذاشته‌اند. این موزاییک معنایی به‌مراتب بیش از آن دارد که در نگاه نخست به چشم می‌خورد. رویداد تَبَدُّلِ مسیح با عناصری همچون «صلیب و بره» که نمادی از شهادت او و یارانش هستند، در این اثر به تصویر کشیده شده است. گفتنی است «عنصر (بره و گوسفند) به‌عنوان جانور قربانی در ادیان باستان کاربرد نمادین داشت که در هنر تدفینی یهودیان در سردابه‌های رومی نیز دیده‌شده است و بعدها به‌وسیلهٔ کلیساهای نخستین به‌عنوان نماد مسیح که برای نجات بشر قربانی شد، اتخاذ گردید.» (هال، ۱۳۸۳: ۳۴). (شکل ۱-۱۱).



شکل ۱-۱۱. مذبح کلیسای سانتاآپولیناره شهر کلاسه، منطقه راونا، حدود ۵۴۹ م.

پس از نگاهی کوتاه به یک دوره تاریخی مهم که مربوط به شکوفایی جلوه‌های هنری شهر راونا بود می‌توان در کل هنر بیزانس را به سه دوره عصر طلایی تقسیم کرد که در فاصله زمانی قرن‌های ششم تا چهاردهم میلادی ایجاد شده‌اند. بنا به گفته مورخان، رویدادهای مهم سیاسی و مذهبی مهم‌ترین نقش را در این تقسیم‌بندی ایفا کرده‌اند. وجود شاهکارهای هنری در زمینه معماری، نقاشی و پیکرتراشی در نقاط مختلف اروپا به‌ویژه روم شرقی و غربی از نتایج مهم این تحولات به‌شمار می‌روند.

نخستین عصر طلایی هنر بیزانس با امپراتوری یوسنی‌نیانوس (۴۲۷-۵۶۵ م) شکل گرفت. در این عصر هنر یونانی و رومی با عناصری از شرق (ایران و سوریه) به‌خوبی تلفیق شده و جنبه‌ای شکوهمند به هنر مذهبی بیزانس بخشید. تجلیل از عظمت و اعتبار امپراتوری روم شرقی از شاخصه‌های اصلی هنر در این دوره محسوب می‌شود. در سده‌های هشتم و نهم میلادی با شکل‌گیری جنبش «شمایل‌شکنی»، هنر مذهبی رو به افول نهاده و زمینه برای گسترش هنر دنیوی و تزئینی مهیا شد. این زمان که مصادف با حکومت امپراتوران مقدونی (۸۶۷-۱۰۵۷ م) است به‌عنوان دومین عصر طلایی هنر بیزانسی شناخته می‌شود. برخورداری از ویژگی‌هایی مانند تمایل به آثار باستانی، گرایش فزاینده به نقش‌مایه‌های اسلامی و جنبه‌های تشریفاتی و نمایشی از شاخصه‌های اصلی هنر در این عصر محسوب می‌شوند. پس از دوران پرآشوب حاصل از جنگ‌های صلیبی، قبیله‌ای و... در زمان فرمانروایی خاندان پالایولگوس (۱۴۵۳-۱۲۶۱ م) سبک و دوره‌ای جدید فرارسید که با عنوان سومین عصر طلایی هنر بیزانسی خوانده می‌شود (پاکباز، ۱۳۸۷: ۷۸۵).

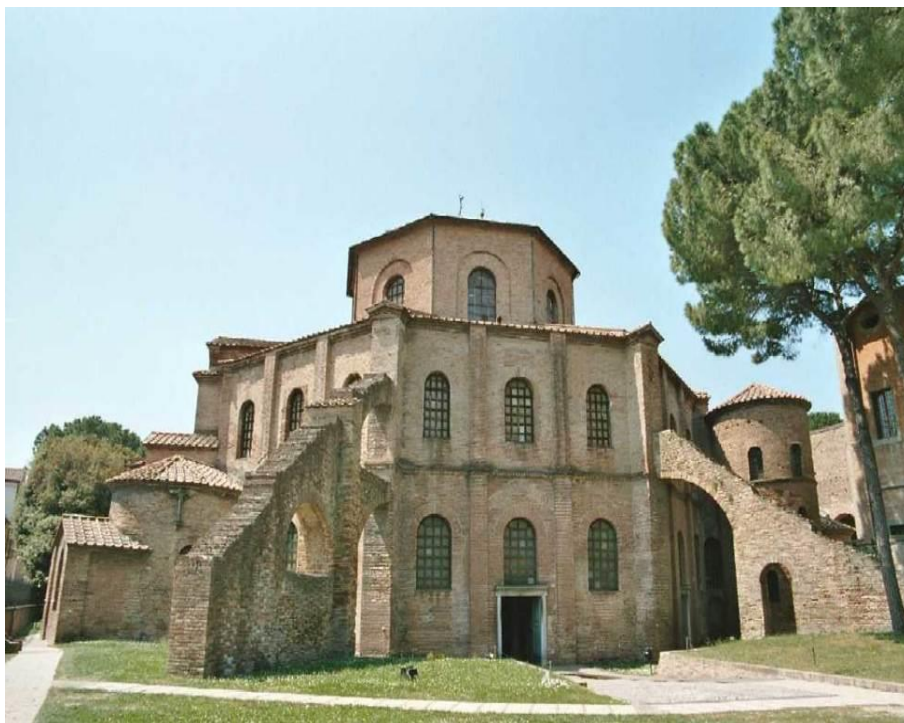
کلیسای «سن ویتال» و کلیسای «ایاصوفیه» از شاهکارهای ساختمان‌سازی دوره نخستین عصر طلایی محسوب می‌شوند که دارای تزئینات غنی به‌ویژه نقاشی به شیوه موزاییک هستند.

سبک بیزانسی که زائیده خاورمآب شدن ناتورالیسم هلنی است، با ساختمانی عظیم به همراه تزئینات باشکوه در کلیسایی سان ویتال ظاهر شد به‌طوری‌که از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای مربوط به دوران نخستین عصر طلایی یاد می‌شود. سادگی نمای بیرونی و چندضلعی بودن مذبح، از وجوه مشترک آن با کلیساهای راونا محسوب می‌شود. از طرف دیگر وجود یک طبقه جداگانه برای زنان نیز گویای شباهت آن با بناهای بیزانس شرقی-مانند ایاصوفیه- است. وجود پنجره‌ها و انعکاس نور بر

روی تزیینات و مرمرها در فضاهاى خمیده و صاف و طاق‌ها، باعث به‌وجود آمدن زاویه‌هاى متغیر در چشم بیننده شده و وقارى شکوهمند و رازآلود - که از مختصات روحیه شرقی است- را در ذهن ایجاد می‌کند.

موزاییک‌های موجود در این کلیسا جزو دستاوردهای درخشان هنر بیزانسی به‌شمار می‌روند، با اینکه کمی قبل از موزاییک‌های کلیسای سانتا‌آپولیناره ساخته شده‌اند.

موزاییک‌های مذبح، شامل افرادی است که مرتبط با پادشاه و ملکه هستند. چهره یوسنی نیانوس و تئودورا به همراه ملازمانشان در دو قاب مجزا شبیه‌سازی شده‌اند. پادشاه در شبیه‌سازی از صف انعام‌دهندگان بخشی از آداب نیایش را به‌جا می‌آورد. زمانی که نان و شراب در مراسم عشاى ربانى بین حضار تقسیم می‌شود. یوسنی نیانوس که در لباس پادشاه - کشیش نشان داده‌شده - ظرف حاوی نان و ملکه جام زرین شراب را به‌دست دارند (شکل‌های ۱-۱۲، ۱-۱۳ و ۱-۱۴).



شکل ۱-۱۲. کلیسای سان ویتال-راونا، ۵۴۷-۵۲۶ م.